



درس اول

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَسَلَّمَ

حکومت اسلامی، پس از رسول خدا



تدبیر در قرآن

أَطِيعُوا اللَّهَ

وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ

وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ

خدا را اطاعت کنید

و اطاعت کنید پیامبر خدا

و اولیای امر خود را

و هرگاه در چیزی نزاع داشتید

آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [و از آنها

داوری بطلبید]

اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید

و این [کار] برای شما بهتر است

و سرانجامی نیکوتر

إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ

ذَلِكَ خَيْرٌ

وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا

نساء، ۵۹

آیا ننگریستی به کسانی که	أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
گمان می‌کنند که ایمان دارند	يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا
به آنچه به سوی تو نازل شده	بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ
و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده	وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ
می‌خواهند داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند	يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ
در حالی که امر یافته‌اند به او کافر شوند	وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ
و شیطان می‌خواهد آنان را	وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ
به گمراهی دور و درازی بکشاند	أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا

نساء، ۶۰

در این آیات تفکر کنید و پیام‌های مربوط به حکومت را استخراج نمایید.

۱

۲

۳

۴

۵

دانستیم که یکی از قلمروهای رسالت پیامبر اکرم ﷺ برقراری حکومت و اجرای احکام الهی بود؛ زیرا احکام اجتماعی اسلام و پیاده کردن دستورات الهی بدون تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست. پیامبر اکرم ﷺ، همان‌طور که وظیفه داشت برای اقامه نماز و زکات تلاش کند، وظیفه داشت که «حکومت اسلامی» را تشکیل دهد و اداره جامعه را به دست گیرد و میان مسلمانان حکم کند.

اکنون، این سؤال پیش می‌آید که آیا پس از رسول خدا ﷺ هم نیازی به حکومت اسلامی هست و باید ادامه داشته باشد، یا نه؟

پاسخ به این سؤال مثبت است؛ زیرا دین اسلام آخرین دین الهی و یک دین جاودانه است و احکام آن اختصاص به زمان پیامبر اکرم ﷺ ندارد. با رحلت پیامبر اکرم ﷺ عده‌ای که به مانعان زکات

مشهورند، فکر می‌کردند حکومت فقط برای دوران پیامبر ﷺ بوده و دیگر نیازی به انجام احکام اجتماعی اسلام، از جمله زکات نیست؛ بنابراین نیازی به حکومت اسلامی هم نیست. با تشکیل حکومت اسلامی عزت و سربلندی مسلمانان حفظ می‌شود و مانع تعرض بیگانگان به سرزمین‌های اسلامی می‌گردد.

با تشکیل حکومت اسلامی اهداف متعالی و بلند اسلام، مانند عدالت و حق، ترویج خیر و معروف، جلوگیری از منکرات و بدی‌ها، یاری به مستضعفان، دفاع از سرزمین‌های اسلامی، اجرای احکام قضایی، اقتصادی و سیاسی اسلام ممکن می‌گردد. این یک اصل اساسی و مورد اتفاق پنج مذهب رسمی مسلمانان است که اسلام دارای نوع و شکل حکومت ویژه خود است و هر حکومت دیگری که منطبق با قوانین اسلام تشکیل نشده باشد، واجب‌الاطاعة نیست و نمی‌تواند پیاده‌کننده احکام اسلام باشد. علاوه بر این، با تشکیل حکومت اسلامی مهم‌ترین نیاز زندگی اجتماعی انسان‌ها، یعنی برقراری عدالت میسر می‌شود؛ نیازی که عامل اصلی تشکیل حکومت بوده است و از هنگامی که انسان‌ها زندگی اجتماعی را آغاز کرده‌اند، برای رسیدن به آن تلاش کرده‌اند. برقراری عدالت نیازی است که اختصاص به زمان رسول خدا ندارد.

دقت در بُعد اجتماعی و حیات جمعی انسان به وضوح نشان می‌دهد که ممکن نیست انسان مانند حیوانات دیگر بتواند به صورت انفرادی زندگی کند؛ بلکه نیاز به تعاون و همیاری است که پیوندهای اجتماعی را پدید می‌آورد.

از طرف دیگر، منفعت‌طلبی برخی انسان‌ها، سبب تجاوز به حق و حقوق دیگران می‌شود و کسانی که خود را قوی‌تر از دیگران می‌بینند، در صورتی که متخلق به اخلاق حسنه نباشند، در صدد آن برمی‌آیند که با زور و ظلم به اموال و ثروت دیگران دست‌درازی کنند. به دلیل پیدایش این قبیل ظلم‌ها و مزاحمت‌ها که همواره در تاریخ بشر اتفاق افتاده، و نیز نزاع‌ها و درگیری‌ها و هرج و مرج‌هایی که به دنبال آنها پدید آمده، همواره نیاز به قانون و حکومتی که آن قانون را به اجرا درآورد حس می‌شده است.

می‌دانیم که تنها با وضع قوانین نمی‌توان مانع زورگویی و ستم‌ستمرگان و هرج و مرج اجتماعی شد؛ زیرا ستمگران و کسانی که فقط به منافع خود فکر می‌کنند، تنها به آن بخش از قوانین پایبند می‌مانند که منافع آنها را تأمین کند و متضاد با منافعی نباشد. به همین جهت همواره همراه با مقررات و قوانین اجتماعی باید کسانی باشند که به عنوان حاکمان جامعه، قانون را به اجرا درآورند و متخلفان را مجازات کنند و مانع هرج و مرج گردند. ترس از مجازات سبب می‌شود افرادی که خود را هم تربیت نکرده و به زیور اخلاق آراسته نیستند، مقررات اجتماعی را رعایت کنند.

البته جای انکار نیست که ترس از مجازات هم نمی‌تواند مانع جدی در مقابل قانون‌شکنان و متجاوزان باشد و راه تخلف را ببندد؛ زیرا مردمی که نفوذ و قدرت کامل دارند می‌توانند قوانین را به نفع خود وضع کنند یا آنها را مطابق میل خود دست‌کاری نمایند.

بنابراین، قانونی می‌تواند نابسامانی‌های اجتماعی را سامان دهد و عدالت اجتماعی را محقق سازد که از جانب خداوند وضع شده باشد؛ زیرا اولاً او در وضع قوانین هیچ منفعتی برای خود طلب نمی‌کند، ثانیاً عموم انسان‌ها، در اجرای قانون، خود را در برابر خداوند مسئول می‌دانند و به پاداش یا مجازاتی که بر اثر رعایت یا عدم رعایت قانون دریافت خواهند کرد، بیشتر توجه می‌نمایند.

امروزه مسلمانان، در صحنه امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با مسائل جدیدی روبه‌رو هستند که بدون وجود حکومت اسلامی، حل آن مسائل امکان‌پذیر نیست. بانکداری، بیمه‌های اجتماعی، پیوند اعضا و خرید و فروش عضو، نحوه استفاده از رسانه‌های جدید مانند اینترنت، نحوه ارتباط با کشورهای مختلف و با نظام‌های سیاسی متفاوت، ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و یونسکو و صدها مسئله دیگر امروزه پدید آمده که ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را بیش از گذشته کرده است؛ حکومتی که رهبران آن بر مبنای اسلام و با استفاده از قرآن و سنت به حل مسائل جدید بپردازند و حکم اسلام را در این مسائل به اجرا درآورند.^۱

نمونه‌یابی

برخی از مسائل جدید در دنیای امروز را که در گذشته مطرح نبوده و نیازمند به دست آوردن پاسخ آنها از قرآن کریم و سنت است، نام ببرید و راه‌حلی را که به نظر شما می‌رسد، در کلاس ارائه دهید.

۱- بر همین مبنا در ایران پس از انقلاب اسلامی، با رأی قاطع مردم در سال ۱۳۵۸، نوع حکومت به شکل جمهوری اسلامی اعلام گردید و زمینه برای اجرای احکام الهی فراهم آمد؛ تا توجه به اینکه مذهب شیعه یکی از پنج مذهب رسمی در میان مسلمانان است، حکومت اسلامی ایران براساس دیدگاه‌های کلامی و فقهی شیعه تشکیل شده است که روابطی بسیار عالی و وسیع با مسلمانان سایر مذاهب در جهان دارد و در بسیاری از کشورها موجب بیداری و دلگرمی شده و ایده تشکیل حکومت اسلامی و دوری از حکومت‌های طاغوتی و مبارزه با استعمارگران و مستکبران را گسترش داده است. مبانی حکومت اسلامی در مذاهب پنج‌گانه، بسیار به یکدیگر نزدیک است و در جزئیات، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. لذا اگر در برخی تعبیرات این کتاب ضمیمه تفاوتی مشاهده می‌شود، در جزئیات، و بنا بر تعبیرات و دیدگاه‌های کلامی و فقهی اهل سنت است و چون در قانون اساسی حقوق مذهب اهل سنت محترم شمرده شده، در بخش آموزش نیز، طرح دیدگاه‌های کلامی و فقهی ویژه دانش‌آموزان اهل سنت فراهم آمده است. همین امر موجب اتحاد بیشتر و همدلی اهل سنت با برادران شیعی شده است تا همه در کنار هم و با برنامه‌ریزی نظام اسلامی برای عزت و سربلندی ایران اسلامی و اعتلای اسلام در جهان عمل نمایند.

خلافت و امامت

خلافت به معنای جانشینی و امامت به معنای رهبری و پیشوایی است. همان طور که گفتیم، حکومت اسلامی اختصاص به زمان رسول خدا ﷺ ندارد و پس از ایشان نیز ادامه می‌یابد. کسی که پس از رسول خدا ﷺ عهده‌دار حکومت اسلامی می‌شود، «خلیفه» نام دارد؛ زیرا چنین شخصی جانشین رسول خدا ﷺ است و پس از ایشان وظیفه اجرای احکام الهی در جامعه را برعهده دارد. و از آنجا که چنین شخصی رهبری و پیشوایی مردم را برعهده دارد، او را امام نیز می‌خوانند. پیروی و اطاعت از خلیفه بر مردم لازم است. مردم باید فرمان‌ها و دستورات او را تبعیت کنند و در اجرای قوانین الهی یاری‌اش نمایند.

تدبّر در قرآن

با تفکر در آیات ابتدای درس توضیح دهید که کدام آیه به جانشینی پس از رسول خدا ﷺ اشاره دارد و مردم را به چه چیزی فرمان می‌دهد؟

شروط لازم برای خلیفه یا امام

از آنجا که جانشینی پیامبر اکرم ﷺ و رهبری و اداره جامعه، مهم‌ترین مسئولیت الهی است، هر کسی توانایی و لیاقت پذیرفتن چنین مسئولیتی را ندارد. کسی باید این مسئولیت را بپذیرد که از شرایط زیر برخوردار باشد:

- ۱ خلیفه باید مسلمان و مؤمن باشد و غیر مؤمن نباید بر مقدرات مؤمنان سیطره و حکومت داشته باشد.
- ۲ خلیفه باید مرد باشد؛ زیرا خلافت از کارها و وظایف بسیار شاق و پرخطر است و خداوند کارهای سخت را بر دوش مردان گذاشته و زنان را معاف کرده است.
- ۳ خلیفه باید عاقل و بالغ باشد؛ زیرا غیر عاقل و غیر بالغ را یارای چنین کاری نیست.
- ۴ خلیفه باید به احکام دین آگاه باشد و بتواند با قدرت اجتهاد و استنباط، احکام دین را از منابع دینی استخراج کند و پاسخ مسائل جدیدی را که در دنیای امروز مطرح می‌شود از کتاب و سنت به دست آورد. این شرط، لازمه تحقق حکومت اسلامی است؛ زیرا حکومت اسلامی، آن شکلی از حکومت است که قوانین و احکام اسلامی در آن پیاده شود و حاکم آن مجری احکام الهی باشد. وقتی حاکم می‌تواند مجری احکام الهی باشد، که خود با این احکام آشنایی کافی داشته باشد و هرگاه با مسئله جدیدی روبه‌رو شود، با استفاده از قدرت اجتهاد و دانش دینی خود، بتواند حکم آن مسئله را به دست آورد و اعلام نماید.

۵ خلیفه باید عادل باشد و بر اساس عدل و داد بر مردم حکومت کند. او باید آراسته به فرائض و فضائل و مبرّا از گناه و رذائل و هر چه که مخّل مرّوت است، باشد. عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) گوید که: رسول خدا ﷺ فرمود: **خدای تعالی بزرگوارتر از عدل بر زمین چیزی نیافرید. عدل ترازوی خداست بر زمین و هر کس بدین ترازو دست یازد او را تا بهشت می برد.**

۶ کفایت: خلیفه باید قادر به رهبری مردم باشد و بتواند سختی های اداره امور را تحمل کند.

۷ سلامت: خلیفه یا امام باید از سلامتی برخوردار باشد و نقصی که مانع انجام وظایف و مسئولیت هاست، نداشته باشد.

حاکم اسلامی با از دست دادن هر یک از این شرایط، حقّ حاکمیت خود را از دست می دهد و نمی تواند بر مردم حکومت کند؛ مثلاً اگر حاکم عدالت یا کفایت خود را از دست دهد، شرعاً حاکم مسلمانان نیست و حکم او قابل اجرا نمی باشد.

تکالیف خلیفه یا امام

خلیفه در برابر امت دو وظیفه و مسئولیت کلی برعهده دارد:

۱ اقامه اسلام

۲ اداره امور حکومت در چارچوب اسلام

برای اینکه خلیفه بتواند این دو مسئولیت مهم را به انجام برساند، باید ویژگی ها و خصوصیات داشته باشد؛ از جمله:

۱ با مردم و به خصوص اهل نظر و علم و دانش مشورت کند و از نظرات آنها بهره ببرد.

۲ در میان مردم باشد و مانند آنان زندگی کند.

۳ مراقب کارگزاران خود باشد و بر کار آنها نظارت کند.

تکمیل کردن

با دوستان خود مشورت کنید و ویژگی های دیگری را که به نظر شما بهتر است حاکم اسلامی داشته باشد مشخص نمایید.

راه انتخاب خلیفه و امام

خلیفه از طرف مردم یا خبرگان مردم که نام دیگر آن شورای حلّ و عقد است، انتخاب می‌گردد. مردم با چنین خلیفه‌ای بیعت می‌کنند و به فرمان‌هایش عمل می‌نمایند. کسی که بدون نظر و رأی شورای امت قدرت را به دست بگیرد، دیگر عنوان خلیفه در مورد او مصداق ندارد، بلکه عناوینی مانند شاه، سلطان و دیکتاتور در مورد او صدق می‌کند. چنین حکومتی هم در اسلام جایگاهی ندارد و از ارزش و اعتبار برخوردار نیست. خلافت، پیش از آنکه یک مقام باشد، یک مسئولیت است و کسی که خود طالب آن باشد، اهلیت این کار را ندارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

«به خدا سوگند، ما کسی را که بر این کار حریص بوده یا درخواست کند، متصدی

نخواهیم کرد.»

و یا فرموده است:

«خائن‌ترین شما پیش ما کسی است که آن (مقام و منصب) را مطالبه نماید.»^۱

اندیشه و تحقیق

۱ در آیه ۸۳ سوره نساء تفکر کنید و نکاتی را که درباره حاکم اسلامی به دست می‌آورید، یادداشت کنید.

۲ از آیه‌های ۱۰۵ سوره نساء و ۴۸ سوره مائده چگونه می‌توان بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله استدلال کرد؟

۳ با تأمل در شروط لازم برای حاکم اسلامی، ویژگی‌های مشترک بین پیامبر، خلیفه و حاکم اسلامی را استخراج کرده، پیرامون هر کدام توضیح مختصری بنویسید.